



دیدیار

اف

بِاعِ بِسْمِ اللّٰهِ

زینب سیدمیرزایی

او همسری است که ابراز عشقش را به همسرش اطاعت می‌داند. علی (علیه السلام) در کانون گرم و مصفاایی که فاطمه (علیها السلام) برایش ساخته است، آرام می‌گیرد و شکوه‌های بی وفايي مردم را سر بر شانه‌های مهربان فاطمه نجوا می‌کند. فاطمه (علیها السلام) آرامش دل علی است. فاطمه مادر است، مادری عالم و مهربان. حتی وقتی برای حسن (علیه السلام) لالایی می‌خواند، درس توحید و عشق و احترام را در گوش فرزندش نجوا می‌کند:

«اشبه اباک یا حسن
اخلع عن الحق الزین

واعبد اله ذوالمنن»

پسرم حسن، شبیه پدرت باش و از گردن حق ریسمان را بردار و پروردگار مهربانت را اطاعت کن.

این نجوای مادر، با آهنگ گرم مادرانه بر صفحه‌ی ذهن فرزند حک می‌شود. فاطمه مادر است. وقتی دستان مهربانش گیسوان زینب را شانه می‌زند و نگاه گرم و پرمحبتش چشمان حسین (علیه السلام) را سیراب می‌کند، می‌توان باغ بهشت را در خانه‌ی گلی زهر (علیه السلام) به تماشا نشست.

خانواده‌ی علوی فاطمه خوشبخت‌ترین خانواده‌ی روی زمینند. اگر چه زندگیشان کوتاه بود.

خانه‌ی فاطمه در اوج سادگی زیبا بود.

او با عمل، به دخترانش آموخت که مرد و زن هر یک جایگاهی دارند، و هر یک وظیفه‌ای، اگر بخواهیم ام ایبها همیشه در زندگی مان تجلی کند، باید خانه‌ی دل‌ها را راشتو دهیم.

عشق فاطمه (علیها السلام) در کنار مانتوهای کوتاه و چهره‌های آرایش کرده، جای نمی‌گیرد. خانه‌ی دل فاطمه عرش الرحمان بود، نه کلکسیون هزاران مدو طلا.

لبخند فاطمه خستگی را از جان علی (علیه السلام) بیرون می‌آورد و دستان خسته‌اش تبرک غذای خانواده‌ی علی بود. فاطمه محدثه بود. آنجا که در حمایت از امامش در کوچه‌های بی‌وفایی سیلی خورد، اما در اوج تنهایی ولایت در مسجد سخنرانی کرد، تا حق امامش را باز ستاند.

کاش مثل فاطمه (علیها السلام) مهربان و صمیمی، پر ایهت و مصمم باشیم. مثل او از گرمای وجودمان خانواده‌مان را بهره‌مند سازیم. به سان او بیندیشیم و خواسته‌هایمان به رنگ خواسته‌های فاطمه باشد.

با گیسوی مشکبار آمد
بی پرده نگر، نگار آمد»

این بار که میهمان خانه‌ی دل‌ها تان می‌شویم، حال و هوای خاصی داریم، حتماً شما هم همین‌طور هستید.

این روزها، آسمان ستاره باران امید است و زمین شکوفه باران عشق. جان به سودای دوستی داریم و دلی به عشق یاری نهاده‌ایم که بانوی بلند مرتبه‌ی جهان خلقت است. ما با دسته گلی از تبریک به مناسبت میلاد انسیه مهیا شده‌ایم، مطهره گام بردید- گانمان نهاده است و دیدگانمان قرش راه زیر است.

فاطمه (علیها السلام) دنیای بزرگ آرزوهای ماست و دریای بیکران امیدهایمان.

انسیه (علیها السلام) چشمه ساران زلالی است که تمسک به او ما را از کویر ستان تنهایی و عطش می‌رهاند.

با فاطمه (علیها السلام) زندگی‌هایمان معنا می‌یابد و دستان مهربانش اشک‌های حسرت را از چهره‌هایمان پاک می‌کند.

بیایید فاطمه (علیها السلام) را به زندگیمان دعوت کنیم و طلوعش را در وجودمان جشن بگیریم. اگر صبح‌گاهان دیده‌ی دل به نور رخسارش بگشاییم، اگر او در وجودمان حکمرانی کند، زندگیمان چراغان خواهد شد و همای سعادت پر بام دلمان خواهد نشست. راستی چگونه می‌توان از جام کوثر جرعه نوشی کرد؟ و چون پیچکی به طواف دل زهر رفت؟

باید سیدةالنساء العالمین را بشناسیم، و باید بدانیم که او متعلق به دیروز و امروز و فرداست. فاطمه همیشگی است. دیروز فاطمه (علیها السلام) کلاس درس امروز و فرداهای ماست و متمدن‌ترین شیوه‌ی خانواده داری در زندگی سراسر نور او متجلی است. فاطمه محور خانواده‌ای است که می‌خواهند در جاده‌ی وسیع سعادت راه طی کنند.